

بسمه تعالی



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ

عربی، زبان قرآن

پایه هفتم

دوره اول متوسطه





الدَّرْسُ الثَّالِثُ (ضمير)



كَيْفَ حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟



آب (آبُو):	پدر	جِوَار:	گفت وگو
أَخَذَ:	یکی از کسی	شَارِع:	خیابان
أُسْرَة:	خانواده	صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النُّور:	صبح به خیر
أَلَيْ:	که، کسی که	فِي أَمَانٍ إِلَهِ:	خدا حافظ
إِلَى الْلِقَاءِ:	به امید دیدار	كَيْفَ:	چطور
أَنَا بِخَيْرٍ:	خویم	مَعَ السَّلَامَةِ:	به سلامت
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ:	خوش آمدید	سَاءَ: فَتَنَّاكَ:	يَمَانِ، بِ ما هَتَمَانِ، هَتَلِ ما
أَيَّ:	کدام، چه	نِهَایَة:	پایان
جَدُّ: جَدَّة:	پدربزرگ مادربزرگ	كُتْمَا:	يَمَانِ، بِ أَنَهْ بِ آن دو وَجْهِيهِمَا: صورتشان



سمير:

- أهلاً و سهلاً بكم صباح الخير.

- كيف حالك؟

- أنا بخير؛ من أين أنت؟

- أنا من العراق؛ هل أنت من مشهد؟

- و أنا من البصرة.

- إسمي سمير و ما اسمك؟

حميد:

- صباح النور.

- أنا بخير و كيف أنت؟

- أنا من إيران و من أين أنت؟

- لا؛ أنا من مازندران.

- ما اسمك؟

- إسمي حميد.

- أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟

- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.

ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي.

ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي.

- أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟

- فِي نِهَآيَةِ هَذَا الشَّارِعِ.

- ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ.

- كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟

- مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟

- هُوَ أَخِي.

- مَا اسْمُهُ؟

- اسْمُهُ جَعْفَرٌ.

- فِي أَمَانٍ لِلَّهِ.

- إِلَى اللَّقَاءِ. مَعَ السَّلَامَةِ.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ
حوارٌ بَيْنَ وَلَدَيْنِ
گفتگویی میان دو پسر

سَمِيرَ: سلام بر تو

حمید: سلام و رحمت و برکتهای خدا بر تو

صَبَاحَ الْخَيْرِ: صبح بخیر

صَبَاحَ النُّورِ: صبح و روشنایی

كَيْفَ: حالت چطور است؟

أَنَا بِخَيْرٍ: من خوبم. و تو چطوری؟

أَنَا بِخَيْرٍ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟: من خوبم اهل کجایی؟

أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ: من اهل ایران هستم. و تو اهل کجایی؟

أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ: من اهل عراق هستم. آیا تو اهل مشهدی؟

لَا أَنَا: نه من اهل مازندران در شمال ایران هستم.

وَأَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ: و من اهل بصره در جنوب عراق هستم.

مَا اسْمُكَ؟ اسمت چیست؟

اسْمِي: اسمم سمیر است و اسم تو چیست؟ اسمم حمید است.

أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟ خانواده ات کجا هستند؟

هُم : آنها آنجا نشسته اند.

ذَلِكَ أَبِي : آن پدرم است و آن مادرم است.

ذَلِكَ جَدِّي : آن پدر بزرگم و آن مادر بزرگم است.

أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟ : هتلتان کجاست؟ در آخر این خیابان.

كَمْ : شما چند روز در کربلا هستید؟ سه روز

مَنْ : این پسر کیست؟ او برادرم است.

مَا اسْمُهُ : اسمش چیست؟ اسمش جعفر است.

فِي أَمَانِ اللَّهِ : خدا حافظ . به امید دیدار . به سلامت.

۲. آی سوره باسم اَحَدِ الْفَلِزَات؟ - سورة «الْحَدِيد».



۲- کدام سوره به نام یکی از فلزات است؟ حديد (آهن)

۳. ما هي السورة التي باسم امرأة؟ - سورة «مَرْيَم».



۳- سوره ای که به نام زن است چیست؟ سوره مريم

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ^۱

نگاهی به درس سوم

ضمیـرهای مُنْقَصِل				
فارسی				عربی
من	أنا	أنا	أنا	أنا هائِزَةٌ.
تو	أنت (مفرد مذکر)	أنت (مفرد مؤنث)	أنت (مفرد مؤنث)	أنتِ (مفرد مؤنث) أنتِ نَاجِحَةٌ.
او	هو (مفرد مذکر)	هو (مفرد مؤنث)	هو (مفرد مؤنث)	هي (مفرد مؤنث) هي جَمِيلَةٌ.
ما	نحن	نحن	نحن	نحن
شما	أنتم (جمع مذکر)	أنتم (جمع مؤنث)	أنتم (جمع مؤنث)	أنتم (جمع مؤنث) أنتم قَسْروراءُ.
ایشان (آنها)	هم (جمع مذکر)	هم (جمع مؤنث)	هم (جمع مؤنث)	هم (جمع مؤنث) هم جالِساتُ.

۱. قابل توجه دانش‌آموزان:

مطالب این بخش، جدید نیست. شما قبلاً معنای این ضمیرها را آموختهاید. اکنون در این بخش، آنها را در دسته‌بندی مرتب مشاهده می‌کنید. قبل از تدریس این بخش از کتاب، در منزل پیش مطالعه کنید؛ سپس در کلاس درس، صرفاً رفع اشکال کنید.

ضمیرهای متصل

فارسی				عربی
من - من				أنا أَنتَ
تو - تو				أنتَ (مفرد مذکر) أَنتِ (مفرد مؤنث)
او - او				هو (مفرد مذکر) هي (مفرد مؤنث)
ما - ما				نحن نحننا
شما - شما				أنتم (جمع مذکر) أَنتُنَّ (جمع مؤنث)
ایشان - ایشان (- آنها)				هم - هم (جمع مذکر) هم - هم (جمع مؤنث)
				هنا - ههنا (مثنی مذکر) هنا - ههنا (مثنی مؤنث)
				هنا - ههنا (مثنی مذکر) هنا - ههنا (مثنی مؤنث)
				هنا - ههنا (مثنی مذکر) هنا - ههنا (مثنی مؤنث)

ضمیر						
ترجمہ فارسی	متصل		ترجمہ فارسی	منفصل		
	مؤنث	مذکر		مؤنث	مذکر	
او ایشان (آن دو) ایشان (آنها)	ہا ہما ہُن	ہ ہُما ہُم	او ایشان (آن دو) ایشان (آنها)	ہی ہُما ہُن	ہو ہُما ہُم	فرد مثنیٰ جمع
تو یتان (دو نفر) یتانہ (چند نفر)	ک کُما کُن	ک کُما کُم	تو شما (دو نفر) شما (چند نفر)	آنت آنتُما آنتُن	آنت آنتُما آنتُم	فرد مثنیٰ جمع
تم یمان یمانہ	ہی ہا	ہی ہا	من ما	آنا تَحُن	آنا تَحُن	متکلم واحدہ متکلم مع الغیر

فعل ماضى



قَرَأَتْ



كَتَبَ



سَمِعَتْ



رَفَعَ



صَبَّرَتْ



حَزِنْتُ



عَرَفْتُ



جَلَسَ



لَعِبُوا



عَلِمْنَ



وَقَفْنَا



صَعِدْنَا



وَصَلَا



فَرِحْنَ



أَكَلْنَا



نَظَرْنَا

مروری بر ضمایر و افعال

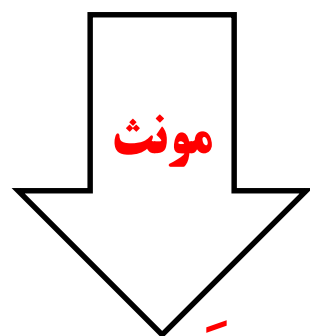
ضمیر : کلمه ای است که در جمله جانشین اسم می شود
و از تکرار اسم جلوگیری می کند.

ضمایر در زبان فارسی ۶ تا است.

من (اول شخص مفرد) تو (دوم شخص مفرد) او (سوم شخص مفرد)

ما (اول شخص جمع) شما (دوم شخص جمع) آنها (سوم شخص جمع)

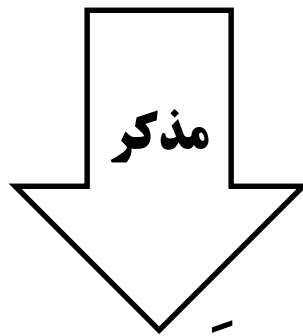
ضمایر در زبان عربی به ۱۴ شکل (یا صیغه) در می آیند که عبارتند از



۱۰- أَنْتِ

۱۱- أَنْتُمَا

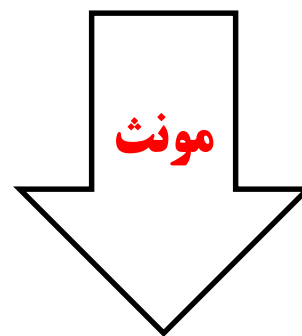
۱۲- أَنْتُنَّ



۷- أَنْتَ

۸- أَنْتُمَا

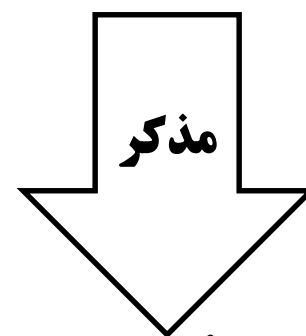
۹- أَنْتُمْ



۴- هِيَ

۵- هُمَا

۶- هُنَّ



۱- هُوَ

۲- هُمَا

۳- هُمْ

۱۴- نَحْنُ

۱۳- أَنَا

ضمایر به دو دسته تقسیم می شوند :

الف- ضمایر مُنْفَصِل (جدا) ب- ضمایر مُتَّصِل (چسبیده)

ضمایر مُنْفَصِل عبارتند از :

۱-هُوَ	۴-هِيَ (او)	۷-أَنْتَ	۱۰-أَنْتِ (تو)
۲-هُمَا	۵-هُمَا (آنها)	۸-أَنْتُمَا	۱۱-أَنْتُمَا (شما)
۳-هُمْ	۶-هُنَّ (آنها)	۹-أَنْتُمْ	۱۲-أَنْتُنَّ (شما)
	۱۳-أَنَا (من)	۱۴-نَحْنُ (ما)	

ضمایر مُتَّصِل عبارتند از:

۱-هُ	۴-هَا	۷-كَ	۱۰-كِ
۲-هُمَا	۵-هُمَا	۸-كُمَا	۱۱-كُمَا
۳-هُمْ	۶-هُنَّ	۹-كُم	۱۲-كُنَّ
	۱۳-نَا	۱۴-نَا	

هر ضمیر دارای سه ویژگی است:

(۱) از نظر عدد : مفرد - مثنی - جمع

(۲) از نظر جنس : مذکر - مؤنث

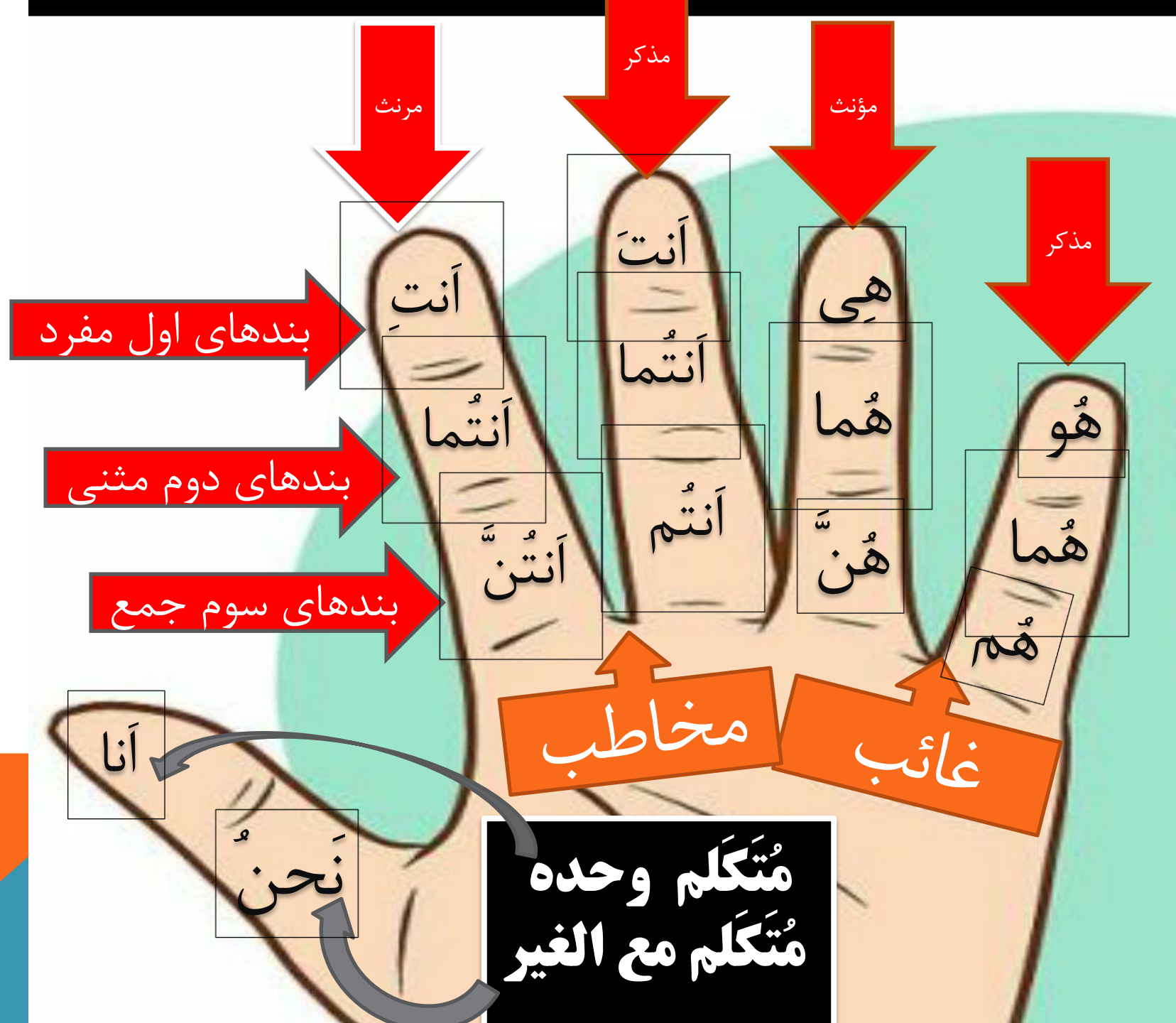
(۳) از نظر شخص : غائب - مخاطب - متکلم^۴

یادگیری صیغه ها روی انگشتان دست

((نکته: هر بند انگشت ۳ ویژگی دارد))

بندهای اول هر انگشت مفرد است.
بندهای دوم هر انگشت مثنی است.
بندهای سوم هر انگشت جمع است.

انگشت اول و سوم مذکر است.
انگشت دوم و چهارم مؤنث است.
انگشت اول و دوم غائب است.
انگشت سوم و چهارم مخاطب است.



صیغه ۱: مفرد مذکر غائب (معنی او می دهد)

صیغه ۲: مثنی مذکر غائب (معنی آنها دو نفر می دهد)

صیغه ۳: جمع مذکر غائب (معنی آنها بیش از دو نفر می دهد)



صیغه ۴: مفرد مونث غائب (معنی او می دهد)

صیغه ۵: مثنی مونث غائب (معنی آنها دو نفر می دهد)

صیغه ۶: جمع مونث غائب (معنی آنها بیش از دو نفر می دهد)



صیغه ۷: مفرد مذکر مخاطب (معنی تو می دهد)

صیغه ۸: مثنی مذکر مخاطب (معنی شما دو نفر می دهد)

صیغه ۹: جمع مذکر مخاطب (معنی شما بیش از دو نفر می دهد)

صیغه ۱۰: مفرد مؤنث مخاطب (معنی تو می دهد)

صیغه ۱۱: مثنی مؤنث مخاطب (معنی شما دو نفر می دهد)

صیغه ۱۲: جمع مؤنث مخاطب (معنی شما بیش از دو نفر می دهد)

صیغه ۱۳: متکلم وحده (معنی من می دهد)

صیغه ۱۴: متکلم مع الغیر (معنی ما می دهد)

فعل به ۲ دسته اصلی تقسیم می شود .

الف (ماضی : انجام دادن کار در زمان گذشته .

ب (مضارع : انجام دادن کار در زمان حال و آینده.

در زبان فارسی یک فعل به شش حالت در می آید اما در زبان عربی به ۱۴ حالت (یا صیغه) در می آید .مثلا از نوشتن می توان فعلهای زیر را بدست آورد.

فعل مورد نظر را شش بار می نویسیم و به آخر آنها شناسه هایی را اضافه می کنیم.

نوشت

نوشتی

نوشتم

نوشتند

نوشتید

نوشتیم

کلمه های سه حرفی که با سه الگوی زیر مطابقت کند فعل ماضی است.

۱-فَعَلَ ۲-فَعِلَ ۳-فَعُلَ

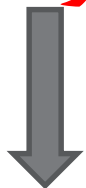
مثال الگوی ۱ (کَتَبَ , خَرَجَ و...) الگوی ۲ (سَمِعَ , عَلِمَ و...) الگوی ۳ (بَعُدَ , قَرُبَ و...)

همانطور که یک فعل در زبان فارسی به شش حالت در می آید در زبان عربی به ۱۴ حالت در می آید, با مثالی این مطلب را توضیح خواهیم داد.

در زبان فارسی اصل فعل (نوشت) را شش بار نوشتیم و به آخرشان شناسه هایی را اضافه کردیم.

در زبان عربی اصل فعل (مثلاً الگوی ۱) را ۱۴ بار می نویسیم و به آخرشان شناسه هایی را اضافه می کنیم.

مؤنث

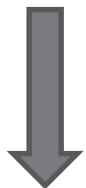


فَعَلَ

فَعَلَ

فَعَلَ

مذكر

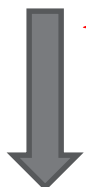


فَعَلَ

فَعَلَ

فَعَلَ

مؤنث

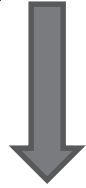


فَعَلَ

فَعَلَ

فَعَلَ

مذكر



فَعَلَ

فَعَلَ

فَعَلُ

تُ

نُتْمَا

تُ

تَا

تُنَّ

وَا

تُمَا

ت

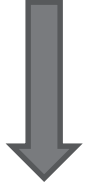
تُمْ

ا

ت

نَا

مؤنث

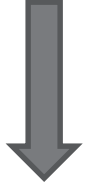


فَعَلْتُ

فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُنَّ

مذكر

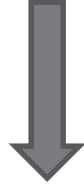


فَعَلْتَ

فَعَلْتُمَا

فَعَلْتُمْ

مؤنث

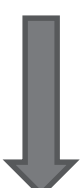


فَعَلْتُ

فَعَلْتَا

فَعَلْنِ

مذكر



فَعَلَ

فَعَلَا

فَعَلُوا

فَعَلْنَا

فَعَلْتُ

دو روش برای ترجمه فعلهای ماضی

الف (شناسه های آخر فعل ماضی ب) انگشتان دست

الف (اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل حرفی نیاید (مثال کَتَبَ) یا ت بیاید که ساکن داشته باشد آن فعل را باید با ضمیر او ترجمه کرد.

کَتَبَ : نوشت.

کَتَبَتْ : نوشت.

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه الف یا تا بیاید با ضمیر آنها دو نفر ترجمه شود. سَمِعَا : شنیدند. سَمِعَتَا : شنیدند.

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه وا یا ن بیاید با ضمیر آنها بیش از دو نفر ترجمه شود.

دَخَلْنَ : داخل شدند

دَخَلُوا : داخل شدند

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه تَ و تِ بیاید با ضمیر تو ترجمه شود.

جَلَسَتْ : نشستی

جَلَسْتَ : نشستی

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه تُما بیاید با ضمیر شما دو نفر ترجمه شود.

خَرَجْتُما : خارج شدید

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه تُم و تُنَّ بیاید با ضمیر شما بیش از دو نفر ترجمه شود.

كَتَبْتُمْ : نوشتید

كَتَبْتُنَّ : نوشتید

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه ت بیاید با ضمیر من ترجمه شود.

رَأَيْتُ : دیدم

اگر بعد از سومین حرف اصلی فعل شناسه نا بیاید با ضمیر ما ترجمه شود.

عَلِمْنَا : دانستیم

ب) انگشتان دست:

اگر فعل یا ضمیر صیغه های ۱ و ۴ باشد معنی (او) می دهد.

اگر فعل یا ضمیر صیغه های ۲-۳-۵-۶ باشد معنی (آنها) می دهد.

اگر فعل یا ضمیر صیغه های ۷ و ۱۰ باشد معنی (تو) می دهد.

اگر فعل یا ضمیر صیغه های ۸-۹-۱۱ و ۱۲ باشد معنی (شما) می دهد.

اگر فعل یا ضمیر صیغه ۱۳ باشد معنی (من) می دهد.

اگر فعل یا ضمیر صیغه ۱۴ باشد معنی (ما) می دهد.

ففى
امان
الله